

ضرورت توجه به توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت ۱۳۸۹/۵/۲۷، تاریخ پذیرش ۱۳۸۹/۹/۱

دکتر وحید جبارزاده *

مهدی محمد علی تبار بانی ** هادی حسین نیا ***

چکیده

امروزه توسعه از جایگاه بالایی برخوردار است، به گونه‌ای که از شاخص‌های تفکیک و تشخیص کشورهای پیشرفته از عقب مانده به شمار می‌آید که یکی از ابعاد آن، توسعه فرهنگی است.

«امام خمینی» (ره)، به عنوان یکی از تأثیرگذارترین متفکران در تاریخ معاصر ایران، فرهنگ را پایه‌ای برای مسائل سیاسی و اقتصادی می‌داند. از نظر ایشان، در مباحث مربوط به ایران، از هر موضوعی آغاز کنیم، ناگزیر به بحث فرهنگ کشیده می‌شویم. در این مقاله، به ابعادی از توسعه فرهنگی اشاره شده است که هر یک دارای سه ویژگی است:

۱. از دیدگاه «امام» (ره) دارای اولویت و اهمیت هستند.
۲. برآمده از توسعه فرهنگی بوده و معلول آن به شمار می‌آیند.
۳. بر توسعه فرهنگی تأثیرگذارند و نیز در سرعت رشد آن مؤثر می‌باشند.

واژگان کلیدی

امام خمینی (ره)، توسعه، فرهنگ، تعالی، انحطاط

*. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی بابل.

** عضو باشگاه پژوهشگران دانشگاه آزاد تهران.

*** عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد قائمشهر hadi_agronomist@yahoo.com

مقدمه

مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی در ایران، به رهبری حضرت «امام خمینی» (ره)، کسب استقلال سیاسی و رهایی از سلطه بیگانگان بوده است. اما این به تنهایی برای رسیدن به اهداف متعالی نظام اسلامی کافی نیست و باید کوشید تا با اتخاذ روش‌هایی، استقلال اقتصادی نیز حاصل شود؛ چرا که استمرار و پایداری استقلال سیاسی، منوط به کسب استقلال اقتصادی است و بدون این مهم، در دراز مدت، نظام اسلامی هویت خود را از دست خواهد داد. (یوسفی نژاد، ۱۳۸۳: ۱۱۲)

پیشرفت در همه شئون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زندگی یک جامعه، متکی به فرهنگ آن جامعه است و تا زمانی که فرهنگ جامعه‌ای موافق با پیشرفت و توسعه نباشد، پیشرفت آن جامعه میسر نخواهد بود. بر این اساس می‌توان گفت، برای دستیابی به توسعه در ابعاد گوناگون، باید به اصلاح فرهنگ در جهت توافق آن با توسعه همت گماشت. (صحیفه نور، ج ۱۰: ۵۵)

از دیدگاه «امام خمینی» (ره) فرهنگ یک ملت، سعادت یا شقاوت آنها را رقم می‌زند و در این صورت، رستگاری هر جامعه از راه اصلاح و احیاء فرهنگی امکانپذیر است. همچنین ایشان، فرهنگ سازنده و پیشرو را، در حوزه‌های فردی و اجتماعی، سبب هدایت و تربیت الهی انسان و جامعه می‌دانند. در نگاه «امام» (ره)، فرهنگ دارای دو ساحت اصلی است. نخست، بُعد فردی فرهنگ است که با انسان و سعادت او ارتباط دارد و دیگری، بُعد اجتماعی آن است که در عرصه حیات اجتماعی انسان‌ها حضور دارد. بنابراین، فرهنگ، موضوعی است ویژه انسان که با هدایت و تربیت او، ارتباط گسترده‌ای دارد. ایشان با توجه به هر دو جنبه فردی و اجتماعی فرهنگ، تأثیراتی عمیق بر فرهنگ اسلامی - ایرانی گذاشته‌اند، به گونه‌ای که الگوی تحول فرهنگی ایران پس از انقلاب اسلامی می‌تواند به تنهایی، موضوع تحقیقی جامع و فراگیر باشد. به عنوان مثال: ایشان در بُعد فردی مسائل فرهنگی، سال‌ها به خودسازی و تربیت دیگران پرداختند و در قالب سلوک اخلاقی و عرفان عملی اسلام،

ضرورت توجه به توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۵۳

نمونه‌های ارزنده‌ای را از انسان تربیت یافته الهی، به جهان امروز معرفی نمودند. از جمله آنان می‌توان جوانان بسیاری را برشمرد که در این نظام تربیتی رشد یافتند و با طی سیر الی‌الله، به همراه مراد خویش، به عناصر اصلی انقلاب اسلامی تبدیل شدند. در ابعاد اجتماعی نیز، تئوری اصلاح فرهنگی حضرت «امام» (ره)، در قالب انقلاب اسلامی معرفی و تبیین شده است به طوری که بنا بر اعتراف اکثر نویسندگان بیگانه، عامل اصلی پیروزی نهضت اسلامی ایران علیه «شاه» و همچنین متحدان ائتلافی انقلاب اسلامی، ایدئولوژی و یا به طور جامع‌تر، همان فرهنگ سیاسی است که در بطن فرهنگ اسلامی رشد یافته بود. بنابراین، با توجه به تأثیر زیر بنایی اصول فکری در موفقیت هر اقدامی، انقلاب اسلامی علاوه بر تلاش برای احیای ارزش‌های اسلامی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، به اصلاح و توسعه فرهنگی در جامعه، به مثابه یک اصل ضروری در احیای جوامع ایستا تکیه داشته است. (عزتی، ۱۳۷۶: ۶۲)

تعاریف

هر متفکری با مبانی و چشم انداز خاص خود به اجتماع و انسان، مفاهیم علوم انسانی را تعریف می‌کند. بنابراین، در مورد مفاهیم، اجماع نظری وجود ندارد. با این وجود، سعی می‌شود تا از مفاهیم توسعه و فرهنگ، تعاریفی ارائه شود که در مورد آنها اتفاق نظر وجود دارد.

توسعه

توسعه در لغت به معنای «گسترش دادن» است و از نظر اندیشمندان علوم اقتصادی و اجتماعی، از جمله «مایکل تودارو»، جریانی چند بُعدی، در راستای ارتقاء مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر می‌باشد. (تودارو، ۱۳۶۹: ۲۳) از دیدگاه «حسین عظیمی»، توسعه، فرایندی است که تولید از وضعیت سستی به روش نوین، با ابزارهای جدید و پیشرفته، متحول شده و انسان‌ها، مهارت لازم و فرهنگ مناسب با توسعه را کسب

۵۴ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

کرده باشند و همچنین، روند انباشت و به کارگیری سرمایه در جامعه، توسط مدیریتی توانمند و با ثبات، تحقق یافته باشد. (عظیمی، ۱۳۷۱: ۱۷۶) از واژه توسعه، تعاریف دیگری نیز توسط محققان این رشته ارائه شده است که تفاوت دیدگاههای آنان، از نوع نگرش به وضعیت خاص هر جامعه و ارزش های حاکم بر آن ناشی می شود.

فرهنگ

فرهنگ، مجموعه ای سازمان یافته از هنجارها، ارزش ها و قواعد است که مردم، کم و بیش آگاهانه یا ناآگاهانه، براساس چنین مجموعه ای زندگی می کنند. (بشیریه، ۱۳۷۹: ۷)

«تیلور»، فرهنگ را مجموعه پیچیده ای قلمداد می کند که شامل دانش ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، رسوم و هرگونه توانایی و عادت دیگری است که به وسیله انسان، به عنوان عضو جامعه اکتساب شود. (بشیریه، ۱۳۷۹: ۸)

حضرت «امام خمینی» (ره) در اهمیت فرهنگ می فرمایند: «بی شک، بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد.» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۱۶۰)

«فرهنگ، اساس ملت ها است. اساس ملیت یک ملت است.» (صحیفه نور، ج ۶: ۴۰)

بیان مساله

انقلاب اسلامی، انقلابی فرهنگی است که برای ایجاد حکومت مبتنی بر موازین و معیارهای اسلامی، از جمله عدل و اعتلاء کلمه در جهان پدید آمده است. به دلیل اینکه «جمهوری» در ایران، پسوند «اسلامی» دارد، عرصه آسیب ها و توسعه فرهنگی را گسترده نموده است. بنابراین، کلیه عملکردهای سیاسی، اقتصادی، تربیتی، تبلیغی، فرهنگی، امنیتی، قضایی و ... تأثیر مستقیم بر فرهنگ و توسعه فرهنگی انقلاب اسلامی دارند. (پژوهنده، ۱۳۷۵: ۹۱)

ورود محصولات فرهنگی بیگانگان به داخل کشور، جوانان کشورمان را به سمت فرار از گذشته پرغنائی فرهنگی خود می کشاند. در چنین وضعیتی، چه کسی را به هشیاری

ضرورت توجه به توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۵۵

«امام راحل» (ره) می‌توان یافت که تمامی مسائل را با دید باز رصد کند و حقایق را به جوانان تمامی نسل‌ها گوشزد کند. در این راستا، مقاله حاضر نیز، تلاشی برای بررسی اهداف توسعه فرهنگی از دیدگاه «امام خمینی» (ره) می‌باشد.

فرهنگ، بستر توسعه

امروزه علمای توسعه، بیش از هر زمان دیگری، به این باور رسیده‌اند که تا فرهنگ جامعه‌ای موافق با توسعه نباشد، تحقق آن میسر نخواهد بود؛ زیرا انسان‌ها، به عنوان عاملان محوری توسعه، باید نسبت به عمل خود تمایل نشان دهند. نمایش میزان رغبت انسان‌ها به مقوله توسعه، امری است که با فرهنگ جامعه و قدرت انتخاب انسان‌ها در آمیخته است. تمایل‌های افراد نیز از طریق ارزش‌ها و باورهایشان ایجاد می‌شود. بنابراین، با توجه به اینکه انسان دارای اختیار است و قدرت انتخاب دارد، فرهنگ جامعه می‌تواند با تأثیر بر باور انسان‌ها، میزان تمایل آنها را نسبت به توسعه افزایش یا کاهش دهند. با این وجود، ممکن است در مرحله انتخاب با محدودیتهایی مواجه شود و تمایل‌ها، ارزش‌ها و امکانات مختلف فرد و جامعه، فرد را به انتخاب عملی، وادار کند و این انتخاب عملی فرد است که می‌تواند، در راستای توسعه جامعه یا برخلاف آن باشد. (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱: ۴۵)

فرهنگ مبدایی است که اعمال انسانها و به تبع آن، مسیر تکاملی جامعه از آن نشأت می‌گیرد (صحیفه نور، ج ۱: ۲۷۳) و از آنجا که عمل فرد و جامعه، متکی به ارزشها، اعتقادات، باورها و امکانات است، لذا چنانچه فرهنگ جامعه‌ای ضد توسعه باشد، این فرهنگ، منجر به اعمالی از سوی اعضای جامعه خواهد شد که نه تنها در مسیر توسعه و پیشرفت جامعه عمل نخواهند کرد، بلکه راه پیشرفت را نیز سد کرده و موجب انحطاط جامعه می‌شوند. پس، برای تحقق پیشرفت و توسعه، ضروری است که فرهنگ آن جامعه، موافق با توسعه باشد. بنابراین، بستری که باید برای اصلاح امور فراهم شود، بستر فرهنگ است. معنایش این است که جامعه تنها در بستر فرهنگی مناسب، می‌تواند به توسعه و پیشرفت دلخواه

❖ ۵۶ نامه پژوهش فرهنگی

دست یابد. بدیهی است، چنانچه این بستر، نامناسب باشد، توسعه نیز تحقق نخواهد یافت و یا حداقل به صورت دلخواه نخواهد بود. بر این اساس، «راه اصلاح هر مملکتی، فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود... اگر فرهنگ درست بشود، مملکت اصلاح می شود.» (صحیفه نور، ج ۶: ۹۷)

حضرت «امام خمینی» (ره) با استناد به تعالیم متعالی اسلام و مبتنی بر اندیشه دینی، ضمن پذیرش نیازهای مادی و اقتصادی به عنوان جنبه‌های از ابعاد وجودی انسان، نقش فرهنگ را تعیین کننده دانسته و امور دیگر را تابعی از آن می‌داند. برای تبیین بیشتر دیدگاه حضرت «امام» (ره)، هیچ بیانی رساتر از کلمات خود ایشان نیست، پس در ادامه، به بیان چند نمونه از آنها مبادرت می‌شود. «... اگر بخواهیم جامعه‌ای پیشرفت کرده و به طرف تعالی حرکت کند، باید زمینه‌های آن در مجریان این پیشرفت و حرکت ایجاد شود و گفتیم که این زمینه‌ها نیز، چیزی جز فرهنگ جامعه نیست. بنابراین ضرورت تحول فرهنگی برای دستیابی به توسعه نمایان می‌شود.» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۱۶)

همچنین می‌فرمایند: «بی‌شک، بالاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه از بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و تزریق شده از فرهنگ غرب باشد، ناچار، دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد.» (صحیفه نور، ج ۱: ۲۷۳)

ایشان فرهنگ را به عنوان اساس جامعه، این گونه تبیین می‌فرمایند: « فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. اگر فرهنگ ناصالح شد، این جوان‌هایی که تربیت می‌شوند به این تربیت‌های ناصالح، این‌ها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند.» (کلمات قصار: ۲۰۵)

ضرورت توجه به توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۵۷

فرهنگ مطلوب از دیدگاه حضرت «امام خمینی»(ره):

در نگاه ایشان، فرهنگ مطلوب در جامعه، باید دارای سه ویژگی زیر باشد:

۱. دارای نظام تربیتی برای رشد و تعالی انسان باشد.
 ۲. فعال، پیش‌رو و روزآمد باشد و هیچ‌گاه دچار تحجر، انفعال و غرب‌زدگی نشود.
 ۳. تأمین‌کننده استقلال فرهنگی، با محوریت فرهنگ خودی، باشد.
- در ادامه به تبیین این سه ویژگی از دیدگاه فرهنگی «امام»(ره) می‌پردازیم: (آرمان، ۱۳۸۸)
۱. دارای نظام تربیتی برای رشد و تعالی انسان باشد:

«امام خمینی»(ره) معتقد است، تربیت الهی انسان، اصل و اساس دعوت انبیا و ادیان بزرگ جهان است. یعنی همانطور که «مسیح» برای تربیت، عروج و رشد انسان مبعوث شد، «پیامبر گرامی اسلام»(ص) نیز وظیفه تربیت و هدایت انسان‌ها را بر عهده داشت. بنابراین، از نگاه «امام»(ره)، اساس فرهنگ دینی، بر هدایت انسان به سوی خداوند متعال شکل گرفته است و اصلی‌ترین وظیفه فرهنگ، تربیت انسان صالح می‌باشد. ایشان در انتقاد از غرب و حکومت پیشین ایران، نادیده گرفتن این ضرورت فرهنگی را متذکر شده و می‌فرمایند: «آنها فرهنگ ما را آن‌طور درست کرده‌اند که نگذاشتند انسان در آن تربیت پیدا کند. این‌ها نگذاشتند که جوانان ما رشد پیدا کنند. این‌ها در فرهنگ ما رخنه کردند و فرهنگ ما را به روزی انداختند که انسان نتواند در آن رشد پیدا کند.» (صحیفه نور، ج ۵: ۱۹۵)

همچنین در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹ میلادی)، ضمن تأکید بر از بین بردن فرهنگ استعماری، تربیت صحیح را درون مایه اصلی فرهنگ بومی می‌دانند و تحقق آن را به عنوان اولین وظیفه دولت موقت ایران معرفی کرده و فرمودند: «باید در این سال جدید، عنایت زیادی شود، اول به فرهنگ که این خیلی مهم است. این فرهنگ باید متحول شود، فرهنگ استعماری، فرهنگ استقلالی شود. باید معلمان ما متناسب با فرهنگ ما انتخاب شوند و جوانان ما را به گونه‌ای صحیح تربیت کنند؛ یعنی جوانان ما تربیت انگلی پیدا نکنند. چنان‌چه که تا به حال این‌گونه بوده که آنها را غربی بار آورده‌اند. این مساله در فرهنگ ما مطلب

❖ ۵۸ نامه پژوهش فرهنگی

بسیار مهمی است. بالاخره فرهنگ ما باید متحول شود.» (صحیفه نور، ج ۵: ۲۰۰)

«امام» (ره)، در تبیین عدم توجه به این مساله مهم، خصوصاً در دانشگاه‌ها، می‌فرماید: «ما بیش از ۵۰ سال است که دانشگاه داریم، لکن چون خیانت شده است به ما، از این جهت رشد انسانی ندارد. تمام انسان‌ها و نیروی انسانی ما را از بین برده است.» (صحیفه نور، ج ۵: ۲۸۴)

۲. فعال، پیش‌رو و روزآمد باشد و هیچ‌گاه دچار تحجر، انفعال و غرب‌زدگی نشود:

براساس دیدگاه «امام» (ره)، فرهنگ باید روزآمد و پیش‌رو بوده و در عرصه توسعه جامعه، نقشی فعال و پویا داشته باشد. در این نگاه، آلوده شدن فرهنگ به تحجر و واپسگرایی نیز از آسیب‌های بزرگ فرهنگ است. به همین خاطر، در اولین روزهای انقلاب، در پاسخ به عده‌ای از متحجرین و شایعاتی مبنی بر تحریم سینما از سوی مراجع دینی، فرمودند: «ما کی با تجدد مخالفت کرده ایم؟ سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت مردم و تربیت آنها باشد. ما با فساد مخالفیم نه با سینما.» (وصیت نامه امام خمینی، ۱۳۷۸)

به اعتقاد «امام» (ره)، فرهنگ مشرق‌زمین این توانایی را دارد که بدون تأثیر از سایر فرهنگ‌ها، نقشی فعال و پویا ارائه کند. ایشان در وصیت‌نامه خویش، در فرازی، به نقشه دامنه‌دار استعمار غرب برای ایجاد رخوت و رکود فرهنگی در جوانان، به وسیله مظاهر فساد، اشاره می‌نمایند و آن را مغایر با پویایی فرهنگی مشرق، به خصوص ایران، می‌دانند. از نگاه معمار انقلاب اسلامی، الگوی خودباوری مشرق، یکی از راه‌های پویایی و سرزندگی فرهنگ شرقی است و به همین جهت در وصیت‌نامه خویش خطاب به جوانان ایرانی می‌فرماید: «... و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد، اگر خودی خود را بیابد.» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۶۶)

۳. تأمین‌کننده استقلال فرهنگی، با محوریت فرهنگ خودی، باشد:

خودباوری فرهنگی در اندیشه «امام خمینی» (ره)، یک اصل اساسی است. از نگاه ایشان، فرهنگ خودی هر جامعه، مناسب‌ترین فرهنگ برای رشد و بالندگی آن جامعه است و تلاش در جهت پربارتر کردن این فرهنگ، موجب استقلال فرهنگی خواهد شد. در ادبیات

ضرورت توجه به توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۵۹

«امام» (ره)، هر چند فرهنگ غرب، ویرانگر فرهنگ شرقی است، با این وجود، بر اخذ وجوده مثبت فرهنگ غربی تکیه دارد. «امام» (ره) معتقد است، غرب در پی استیلای فرهنگی خویش بر شرق است و این استیلا، نظم فرهنگی جامعه شرقی را بر هم خواهد زد. ایشان در پیام تاریخی خویش به «گورباچف»، این نکته را خاطر نشان کرده و نوشتند: «شما اگر بخواهید در این مقطع، تنها، گره‌های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده‌اید که دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند.» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۰۰)

غرب‌ستیزی منطقی «امام» (ره)، همواره در راستای حفظ و کسب استقلال فرهنگی استوار بوده است. از نگاه ایشان، غرب‌ستیزی فرهنگی، همراه با تحول فرهنگی در چارچوب فرهنگ شرقی، باید منجر به استقلال فرهنگی شود، چنانکه فرمودند: «بالاخره باید فرهنگ متحول شود به یک فرهنگ سالم و یک فرهنگ مستقل و یک فرهنگ انسانی.» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۰۰)

بنابراین، از منظر «امام خمینی» (ره)، باید اصلاح یک جامعه، از اصلاح فرهنگی آن جامعه آغاز شود. انقلاب اسلامی ایران به رهبری «امام» (ره) نیز، در پی تجدید حیات معنوی و فرهنگی انسان و جامعه بوده و هست. این شیوه اصلاح فرهنگی ایشان، الگویی از تحول فرهنگی، در پرتو تعهد فرهنگی را به جهان امروز عرضه نمود.

توسعه از دیدگاه «امام خمینی» (ره):

مفهوم توسعه از دیدگاه «امام خمینی» (ره) از پنج ویژگی برخوردار است:

۱. مفهوم توسعه به نحوی است که کلیه ابعاد وجودی انسان را فرا می‌گیرد. (جامعیت مفهوم توسعه)
۲. اساس توسعه، مبتنی بر فرهنگ است.
۳. استقلال فرهنگی، عامل اصلی توسعه و وابستگی فرهنگی، عامل اصلی توسعه نیافتگی است.

❖ ۶۰ نامه پژوهش فرهنگی

۴. فرهنگ اسلامی، اساس و هدف توسعه فرهنگی است.
 ۵. تربیت و تعالی انسان، شرط توسعه و غایت آن است. (سایت تبیان استان اردبیل)

ابعاد توسعه فرهنگی**الف) سواد آموزی**

نخستین گام در توسعه فرهنگی در هر کشوری، توانایی زنان و مردان آن جا، در بهره‌مند شدن از متون، مکتوبات و قدرت بر مکتوب کردن خواسته‌ها، امیال، دانش و تجربه خویش است. بدون بهره‌مندی از این نعمت، تمامی اقدامات و فعالیت‌های دولت و جامعه در گام‌های بعدی، بی‌تأثیر و یا کم‌اثر و ابتر خواهد بود. تأکید اسلام بر ضرورت فراگیر شدن دانش نیز، به این مهم اشاره دارد و بدیهی است، به همان اندازه که افراد و جوامع، از امر دانش روی گردانند، از این دین و آموزه‌های آن، فاصله گرفته‌اند. دینی که معجزه‌اش کتابی به نام «قرآن» است و اولین آیه‌ای که از آن نازل شد، آغاز آن، با لفظ «بخوان» همراه بود. در آیه‌ای دیگر، به «قلم» سوگند یاد کرده است، آن را بزرگ و مقدس می‌شمارد و سوره‌ای به آن اختصاص می‌دهد. پیامبرش، شرط آزادی اسیران جنگی را، سوادآموزی به ۱۰ مسلمان قرار می‌دهد و برای دانشمندان و قلم‌آنان، ارزشی بیش از جهاد و خون مجاهدان قائل است. پس، دانش‌آموزی در جوامع اسلامی، باید رایج و فراگیر باشد. در همین راستا، حضرت «امام خمینی»، با پیروزی انقلاب اسلامی، دستور تأسیس نهادی را با عنوان «نهضت سواد آموزی» صادر کرده و تعلیم و تعلم در آن را از جمله عبادات دانستند و همه افراد محروم از نعمت سواد را به یادگیری و علم آموزی فراخواندند. ایشان در اهمیت کسب علم و دانش چنین می‌فرمایند:

«ما مبارزه با بی‌سوادی را به نحو احسن اجرا خواهیم کرد.» (صحیفه امام، ج ۵: ۴۲۴)

در جایی دیگر، تأسف خود را در مورد محرومیت از علم، این‌گونه بیان می‌کنند: «مایه بس خجالت است، در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلامی زندگی می‌کند که طلب علم را فریضه دانسته، از نوشتن و خواندن محروم باشد.» (صحیفه امام، ج ۵: ۴۲۴)

ضرورت توجه به توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۶۱

دلیل این اهتمام آن است که سواد آموزی، آغاز کار و مقدمه دانش آموزی است. همچنین «امام» (ره)، مقوله علم و دانش و لزوم فراگیری آن در اسلام را، به اشخاص و یا به زمان و مکان خاصی محدود نمی‌داند و در نظر ایشان، فراغت از تحصیل، از اساس، واژه‌ای بی معنی است. «هر انسانی تا آخر عمرش هم به علم احتیاج دارد و هم به آموزش و پرورش...»
 رشد تحقیقات و گسترش امر پژوهش و دستیابی به نتیجه‌ای که مطلوب اسلام است، یعنی غلبه قلم‌ها بر مسلسل‌ها، با چنین رویکردی از ارزش‌گذاری، میسر خواهد بود. «بشر تا در سایه مسلسل و توپ و تانک می‌خواهد ادامه حیات بدهد (کلمات قصار: ۱۸۸)، نمی‌تواند به مقاصد انسانی برسد. آن وقتی مردم به مقاصد اسلامی و انسانی می‌رسند و به کمال دانش و علم می‌رسند که قلم‌ها بر مسلسل‌ها غلبه کنند و دانش‌ها در بین بشر به آنجا برسد که مسلسل‌ها را کنار بگذارند و میدان، میدان قلم باشد، میدان علم باشد.» (کلمات قصار: ۲۰۲)
 و بالاخره، در پیامی، مهمترین عامل خودکفایی را توسعه مراکز علمی و پژوهشی و تشویق دانشمندان متخصص و متعهد می‌دانند: «مهم‌ترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی، توسعه مراکز علمی، تحقیقاتی و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه جانبه مخترعان و مکتشفان و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهادت مبارزه با جهل را دارند و از لاکِ نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به درآمده و نشان داده‌اند که می‌توانند کشور را روی پای خود نگه دارند.» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۵۸)

ب) خود باوری

بی تردید یکی از بزرگترین انگیزه‌های «امام» (ره) در قیام علیه نظام شاهنشاهی، وابستگی آن به قدرت بیگانه بوده است. خود باختگی، سلطه پذیری و غرب زدگی رژیم منحوس پهلوی، روح غیور او را آزوده ساخته بودند. البته، تعامل فرهنگ‌ها و داد و ستد در میان آنها، امری طبیعی است و نه تنها اسلام با داشتن علم، فرهنگ و صنعت دیگران، تا آنجا که منجر به سلطه‌گری نشود، مخالفتی ندارد، بلکه مسلمانان را به فراگیری آنها امر کرده است. باید

❖ ۶۲ نامه پژوهش فرهنگی

توجه داشت که نکوهش اسلام در مواردی است که مرعوب بیگانه شدن، به تمسخر گرفتن ذخایر و اندوخته‌های خودی، الگوبرداری از سبک زندگی بیگانه و... موضوعیت داشته باشد؛ چرا که این همان برهنگی است که اقبال در وصف زمانه خویش به کار می‌برد و نیاز بازگشت مسلمانان به هویت اسلامی را امری ضروری می‌داند. او، این مطلب را، به همراه داستانی تاریخی، این چنین بیان می‌کند:

«در یکی از جنگ‌ها، دختر «حاتم طایی» اسیر شد. وقتی او را نزد «پیامبر» (ص) آوردند، نیمه برهنه بود. «پیامبر اکرم» (ص)، عبای خود را روی آن دختر انداخته تا پوشیده بماند. او در ادامه می‌گوید: در این روزگار، از دختر «حاتم طایی» هم لخت‌تر مانده ایم و آن همه عزت و شرف خود را از کف داده و پیش تمام اقوام دنیا، بی‌چادر شده‌ایم. پیامبری می‌خواهیم که دوباره عبای خویش بردارد و ما را بپوشاند.»

ما از آن خاتون طی عریاتریم

پیش اقوام جهان بی‌چادریم

نظام سلطه، برای تحمیل و ترویج فرهنگ و ارزش‌های نظام خود، ناچار است ملت‌ها را علیه فرهنگ، سنت‌ها، علایق روحی و فکریشان بشورانند. شادروان «جلال آل احمد» در این زمینه می‌گوید: «هجوم استعمار نه تنها به قصد غارت مواد خام معدنی و مواد پخته آدمی - فرار مغزها - از مستعمرات صورت می‌گیرد، بلکه این هجوم، زبان، آداب، موسیقی، اخلاق و مذهب محیط‌های مستعمراتی را نیز ویران می‌کند.» (آل احمد، ۱۳۷۲: ۵۲)

معمار کبیر انقلاب اسلامی، با شناختی که از عملکرد استعمار، در سال‌های پیش از انقلاب داشتند، خطر آن را این گونه گوشزد می‌کنند: «به قدری ما را از پیشرفت‌های خود و قدرت‌های شیطانیشان ترسانده‌اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده [ایم] و چشم و گوش بسته، مطیع فرمان هستیم و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی، موجب شده [است] که در هیچ امری، به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید کنیم.»

ضرورت توجه به توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۶۳

بلکه از ادب، فرهنگ، صنعت و ابتکار، اگر داشتیم، نویسندگان و گویندگان غرب و شرق زده بی فرهنگ، آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته [اند] و فکر و قدرت بومی ما را سرکوب و مایوس نموده و می نمایند. رسوم و آداب اجنبی، هر چه مبتذل و مفتضح باشد، با عمل، گفتار و نوشتار، ترویج [می کنند] و با مداحی و ثناجویی، آنها را به خورد ملتها داده و می دهند. فی المثل، اگر در کتاب یا نوشته یا گفتاری، چند واژه فرهنگی باشد، بدون توجه به محتوای آن، با اعجاب پذیرفته و گوینده و نویسنده آن را، دانشمند و روشنفکر به حساب می آورند. از گهواره تا قبر، به هر چه بنگریم، اگر با واژه غربی و شرقی اسم گذاری شود، مرغوب و مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفتگی محسوب و اگر واژه های بومی خودی به کار رود، مطرود و کهنه و واپس زده خواهد بود.» (وصیت نامه امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶)

استاد شهید «مطهری» (ره) نیز، ضمن آنکه استعمار فرهنگی را مقدمه استعمار اقتصادی و سیاسی می داند، شیوه ایجاد این نوع از استعمار را چنین معرفی می کند: «برای بهره کشی از فرد، باید شخصیت فکری او را سلب کنند و او را به آنچه مال خودش است بدبین کنند و در عوض او را شیفته هر آنچه از ناحیه استعمار عرضه می شود بسازند. می باید در مردم حالتی به نام تجددزدگی به وجود بیاورند، به طوری که از آداب و رسوم خودشان متنفر بشوند، اما از آداب و رسوم بیگانه خوششان بیاید. می باید آنها را به ادبیات خودشان، به فلسفه خودشان، به کتابهای خودشان، به دانشمندان و مفاخر علمی و فرهنگی خودشان بدبین کنند و در عوض مسحور ادبیات، فلسفه و کتابهای دیگران کنند.» (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۶۱)

بنابراین، خودباوری در نگاه رهبر کبیر انقلاب اسلامی، دارای جایگاه ویژه ای است؛ به طوری که تلاش بزرگ ایشان، تزریق روحیه خودباوری و خود اتکایی به کالبد جامعه بود، چرا که پیشبرد همه امور را در گرو آن می دانستند که اگر این معمای روحی و فکری حل شود، اولین و اساسی ترین قدم برای رسیدن به خودکفایی و استقلال برداشته می شود.

سخنان ایشان، مملو از مفاهیمی است که در آنها، دلبستگی به فرهنگ بومی، هویت اسلامی و ملی، کوشش در جهت حفظ و اعتلای آن، اعتماد به نفس و قطع امید از بیگانگان

❖ ۶۴ نامه پژوهش فرهنگی

به همراه عزم، اراده، تلاش و هشیاری موج می‌زند. همچنین، همواره بر شناخت استعدادها، امکانات و ذخایر درونی تأکید می‌کردند و اعتقادشان بر این بود که راه رسیدن به آنها را باید از مسیر خودباوری و موفقیت در توسعه فرهنگی پیمود. در این زمینه، به چند نمونه از سخنان ارزشمند ایشان اشاره می‌شود: «اعتماد به نفس بعد از اعتماد به خداوند، منشأ خیرات است.» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۸۴) «بدانید که نژاد[های] آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارند و اگر خودی خود را بیابند و یأس را از خود دور کنند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشند، در درازمدت، قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارند.» «باید به خود بیاوریم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگی‌ها زندگی کنند می‌توانند و قدرتمندان جهان، بر یک ملت، نمی‌توانند خلاف عقیده آنان را تحمیل کنند.» (کلمات قصار: ۱۸۹)

ج) نقش حوزه و دانشگاه

«امام» (ره)، نقش حوزه و دانشگاه را در تحولات فرهنگی و توسعه آن، بسیار مهم ارزیابی می‌کند و ریشه صلاح و فساد مردم و جامعه را در آنجا می‌بیند. «تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد، در طول تاریخ اسلام و تشیع، مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات، انحرافات و کج روی‌ها بوده‌اند.» (کلمات قصار: ۱۹۴)

از این رو، اجرا و تحقق اصلاح و توسعه واقعی را ابتدا در همین مراکز لازم می‌دانند و آنان را مکرر به تهذیب و تعهد فرا می‌خوانند. اما از اجتهاد مصطلح در حوزه، مقدس‌مآبی، تحجرگرایان و روحانی‌نمایان، بارها نالیده‌اند و حوزه‌ها را به هشیاری و پیشنازی دعوت نموده و می‌فرمایند: «حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس‌العمل مناسب باشند.» (کلمات قصار: ۱۹۹)

همچنین با این بیان که: «دانشگاه مبدأ همه تحولات است» (کلمات قصار: ۲۰۲)، دانشگاه‌ها

ضرورت توجه به توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۶۵

را مراکز اداره امور کشور، تربیت نسل‌ها و تعیین کننده مقدرات کشور می‌داند و تأکید می‌کند که استقلال دانشگاه‌ها، به روز شدن حوزه‌ها و پیوند این دو در کنار تعهد و تهذیب، موجب سعادت یک ملت و کشور و همچنین اصلاح و توسعه آن است. «توجه داشته باشید که اگر دانشگاه و فیضیه اصلاح بشود، کشور شما استقلال خودش را بیمه می‌کند.» (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ج ۱: ۶۳۵)

(د) آزادی

آزادی سیاسی و اجتماعی، ضمن آنکه برآمده از توسعه فرهنگی است، خود نیز مقدم و گسترش دهنده آن است. آزادی‌های فردی، اجتماعی، سیاسی و از جمله، آزادی‌های قلم و بیان، تا جایی که به ضرر مردم نبوده و در چارچوب اسلام و قوانین کشوری باشد، هیچ‌کس نمی‌تواند آنان را محدود کند. اهمیت این موضوع به حدی است که به عنوان یکی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این‌گونه بیان شده است: «بیان و نشر افکار و عقاید و مطالب از طریق مطبوعات، سینما، تئاتر، نوار و رسانه‌های گروهی در جهت خدمت به فرهنگ جامعه و تنویر افکار و انتقادات سازنده، آزاد است و آنچه مخالف عفت عمومی، توهین به شعائر دینی، فاش کردن اسرار نظامی یا مخل استقلال و تمامیت ارضی و امنیت عمومی کشور یا موجب گمراهی مردم باشد ممنوع است. مجازات تخلف از این اصل را قانون تعیین می‌کند.» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۲۱۶)

«امام» (ره) نیز نسبت به مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی مردم و آزادی‌هایی که موجب شکوفایی استعدادها و در جهت توسعه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه باشد، از جمله، انتقادات سازنده از دولت، تأکید داشتند: «مساله دیگر راجع به انتقاد، البته روزنامه‌ها باید مسائلی که پیش می‌آید را نظر کنند، یک وقت انتقاد است؛ یعنی انتقاد سالم است، این مفید است. یک وقت انتقام است، نه انتقاد، این نباید باشد.» (صحیفه نور، ج ۴: ۱۹۲)

«امام» (ره) درباره موضع اسلام نسبت به آزادی‌های زنان، نه تنها زنان را در اسلام آزاد

❖ ۶۶ نامه پژوهش فرهنگی

می‌داند، بلکه اسلام را پایه‌گذار آزادی زنان معرفی کرده و می‌فرمایند: «اسلام با آزادی زنان نه تنها موافق است، بلکه خود، پایه‌گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است.» (صحیفه نور، ج ۵: ۲۲۱) همچنین از توجه بیشتر به زن، نسبت به مرد، در اسلام خبر داده و بعضی از حقوق آنها را بیان می‌کنند: «اسلام به زن‌ها بیشتر عنایت کرده است تا مردها. اسلام زن‌ها را بیشتر، حقوقشان را ملاحظه کرده است تا مردها. زن‌ها حق رأی دارند، از غرب بالاتر است این مسائلی که ما برای زن‌ها قایل هستیم. حق رأی دادن دارند، حق انتخاب شدن دارند، همه این‌ها هست؛ معاملاتشان به اختیار خودشان است و آزاد هستند [و] اختیار شغل آزاد را دارند.» (کلمات قصار: ۱۷۹)

هـ) صدا و سیما و رسانه‌ها

رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما، همانگونه که در انتقال فرهنگ، نقش اساسی دارند، در توسعه فرهنگی نیز یک عامل مهم به شمار می‌آیند. قانون اساسی، یکی از مهمترین رسالت‌های صدا و سیما را، توسعه فرهنگ و پاسداری از آن در سراسر کشور می‌داند. «امام» (ره) نیز، از نقش صدا و سیما در جامعه، به یک دانشگاه عمومی تعبیر می‌کند. یعنی مسائل علمی، باید پس از تصفیه، از قالب‌های تخصصی به قالب‌های عمومی و مطابق فهم همه تبدیل گردند. ایشان در جلسه‌ای، خطاب به نویسندگان روزنامه کیهان، مسئولیت خطیر رسانه را این‌گونه تبیین می‌فرمایند: «مسئولیت بزرگ شما امروز قلم‌هایی است که در دست شماست. اداره شما مثل یک اداره دولتی نیست که هر چه در آن واقع شود در همان جاست، مگر گاهی به مردم بگویند. اما قلم‌ها اگر لغزش پیدا کنند یک ملت را می‌لغزانند. رادیو تلویزیون، دستگاهی است که اگر فاسد باشد یک ملت را فاسد می‌کند. الان همه، رادیو را گوش و تلویزیون را نگاه می‌کنند. معصیتی اگر اتفاق بیفتد، در محضر همه مردم است. اگر خدای نخواست قلم‌های شما بلغزد و از تعهدی که برای خدای تبارک و تعالی باید داشته باشید غفلت بکنید، این جور نیست که تنها به شما و دوستان و هم‌مذهب و هم‌دین شما ضرر بزند، به همه ضرر می‌زند، پس یک ضرر کوچک نیست. شما که روزنامه کثیرالتشاری در دستتان است باید توجه کنید که

ضرورت توجه به توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۶۷

مسئولیت بسیار خطیری پیش مردم و ملت‌های جهان دارید که اگر ارشاد کنید مردم را، بالاتر از اطاعت‌هایی است که در گوشه‌خانه و یا یک مجلسی که چند هزار نفر هستند می‌باشد. قلم شما، اگر ارشادی باشد، ملت را به راه راست هدایت می‌کند و می‌تواند مردم را از انحرافات نجات دهد.» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۲۵۸) این مطلب، نه به معنای کشیدن آموزش‌های دانشگاهی به صدا و سیما است و نه تنزل دادن علم، از آن برداشت می‌شود، بلکه به معنای قابل فهم شدن مسائل پیچیده علمی و فرهنگی برای عموم مردم است، تا با ارتقاء سطح آگاهی و بینش مردم، توسعه در آن جامعه رشد بیشتری یابد. «امام»(ره) با بینشی عمیق و مردم‌گرایانه، رسانه‌ها را از این که در خدمت دولت باشند یا از منافع طبقه خاصی حمایت کنند، پرهیز می‌دهند: «روزنامه‌ها مال طبقه سوم است، مال طبقه اول نیست و این هم نیست که همه‌اش مال حکومت باشد.» (کلمات قصار: ۱۷۹) ایشان، با توجه به رسالت عظیمی که مطبوعات برعهده دارند، عمل صحیح آنها را جهاد در راه خدا بر می‌شمارند و میزان اهمیت انتشارات را، همسنگ با خون شهیدان می‌دانند: «آن که از همه خدمات‌ها بالاتر است، این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد و این به عهده مطبوعات است. اهمیت انتشارات، مثل اهمیت خون‌هایی است که در جبهه‌ها ریخته می‌شود.» (صحیفه نور، ج ۹: ۱۸۷)

اهداف و آرمان‌های فرهنگی از نگاه «امام خمینی»(ره)

با توجه به نقش بسزای فرهنگ در سازندگی فرد و اجتماع، انتظار «امام»(ره) از فرهنگی که در جامعه ایران اسلامی شکل می‌گیرد، بسیار بالاست؛ به طوری که القاء معرفت صحیح از اسلام و قرآن، هشیاری مردم نسبت به خطرات تهدیدکننده جامعه اسلامی، رشد علمی و اخلاقی و کسب استقلال در تمامی زمینه‌ها را از جمله تأثیرات فرهنگ بر انسان‌های جامعه می‌دانند. در ادامه، برای آشنایی بیشتر با اهداف و آرمان‌های فرهنگی از نگاه «امام خمینی»، عباراتی از سخنان ایشان، فهرست‌وار، از نظر خواهد گذشت:

« نقشه‌های شوم و خانمان‌سوز استعمارگران را بر ملا نمایید.»

❖ ۶۸ نامه پژوهش فرهنگی

- «در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید.»
- «تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید.»
- «با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر بکوشید.»
- «همه عوامل فساد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی ریشه کن شود.»
- «مبارزه با فساد کنید، فحشا را قطع کنید.»
- «از بین بردن آثار و مفاسد فرهنگ غربی جزء اهداف انقلاب است.»
- «نهضت ایران نهضت الهی بود.»
- «مردم به عنوان اسلام و به عنوان احکام اسلام به خیابان‌ها ریختند.»
- «ما می‌خواهیم جمعیتی نورانی پیدا کنیم؛ دانشگاه ما علمش، اخلاقش، عملش، نورانی باشد.»
- «به دنبال ملتی هستیم که روح انسانیت در آن پیدا شود.»
- «با رأی به جمهوری اسلامی، آرمان‌های اسلام تحقق پیدا نمی‌کند، دنبال این رأی باید عمل شود. احکام شرع در دادگستری، بازار، فرهنگ و مدارس تحقق پیدا کند.»
- «همه باید جوری بشوند که وقتی یک کسی وارد شد ببیند که در مملکت اسلامی وارد شده است.»
- «باید فرم غربی به فرم اسلامی برگردد.»
- «ما باید خودمان را تغییر بدهیم تا بتوانیم سرپای خود بایستیم.»
- «مقصد ما این است که این کشور آفت‌زده، غرب‌زده و سلطنت‌زده را به اسلام برگردانیم.»
- «مقاصد ملت شریف ایران، در رأس آن روحانیت معظم، برای چیزی جز دفع مفاسد دوران شاهنشاهی ستم‌پیشه و اجرای احکام اسلام و رواج فرهنگ غنی اسلامی در جمیع نهادها نبوده و نخواهد بود.» (دفتر نشر و تنظیم آثار حضرت امام (ره)، ۱۳۷۴: ۱۱۷ - ۱۵۱)

ضرورت توجه به توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۶۹

اهداف توسعه فرهنگی

۱. تعلیم و تربیت اسلامی

آموزش صرف در نظام تعلیم و تربیت، مدنظر «امام» (ره) نیست؛ بلکه وجه تربیتی، معنوی، جهت‌دار بودن، متعهد بودن، مستقل بودن و دینی بودن مجموعه نظام آموزشی و تربیتی مورد توجه ایشان است و در موقعیت‌هایی گوناگون، به تبیین و تشریح پیوند این مفاهیم با امر آموزش می‌پرداختند. در اینجا، چند نمونه از سخنان «امام» (ره) را در این رابطه مرور می‌کنیم:

- «یکی از مسائل بسیار مهم در تمام دستگاهها خصوصاً دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها، تغییرات بنیادی در برنامه‌ها و خصوصاً برنامه‌های تحصیلی و روش آموزش و پرورش است که دستگاه فرهنگ ما، از غرزدگی و از آموزشهای استعمار نجات یابد.» (صحیفه نور، ج ۸: ۱۰۶)

- «کوشش کنید که در این آموزشی که به مردم می‌دهید، جهت‌دار باشد ... برای خدمت به خلق و برای خدمت به خدا و برای خدمت به اسلام.» (کلمات قصار: ۱۸۴)

- «تربیت کنید، مهم تربیت است. علم تنها فایده ندارد، علم تنها مُضر است» (کلمات قصار: ۱۸۴)

- «تربیت و تزکیه، مقدم بر تعلیم است. صدمه‌هایی که وارد می‌شود بر مملکت، غالباً از این متفکرین بی‌پرورش، آموزشهای بی‌پرورش واقع می‌شود. علم را تحصیل می‌کنند لکن تقوا ندارند.» (صحیفه نور، ج ۸: ۱۰۷)

- «باید آموزش و پرورش مردم توأم باشد با پرورش، پرورش انسانی، پرورشی که به درد انسان برسد. آموزشی که برای انسان باشد، جهت‌دار باشد، اسم ربّ در آن باشد، توجه به خدا باشد.» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۲۳۳)

۲. استقلال فرهنگی

یکی از اهداف مهم توسعه در بعد فرهنگی، دور شدن از فرهنگ بیگانه غربی و روآوری

۷۰ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

به فرهنگ اسلامی است. همانطور که در سخنان «امام» (ره) خواهیم دید، عدم وابستگی فرهنگی و تأکید بر استقلال در نظر ایشان، جزء محورهای مهم توسعه فرهنگی محسوب می‌شود.

- «ما می‌خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم در خدمت خود ملت، در خدمت خود ایران ... ما با دانشگاهی که ما را وابسته به خارج بکند، هر خارجی می‌خواهد باشد، ما با آن دانشگاه، از اساس مخالفیم. ما دانشگاهی می‌خواهیم که ما را از وابستگی‌ها بیرون بیاورد [و] ما را مستقل کند.» (صحیفه نور، ج ۱۱: ۱۸۶)

- «اگر بخواهید ملت شما نجات پیدا بکند، نجات ملت در فرهنگ و در دانشگاه‌ها باید طرح بشود. مادامی که ما پیوستگی مغزی داریم به خارج و اجانب، هیچیک از این گرفتاری‌هایی که شمردید، نمی‌توانیم از زیرش فرار کنیم. رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است و نجات جوانهای ما از این وابستگی به غرب ...» (صحیفه نور، ج ۸: ۸۰)

- «هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا کند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد و تا زمانی که ملت‌ها خودشان را گم کرده‌اند و دیگران را به جای خودشان نشانده‌اند، نمی‌توانند استقلال پیدا کنند. کمال تأسف است که کشور ما حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد و این فرهنگ و حقوق را نادیده گرفته و به دنبال غرب است. چنان غرب در نظر یک قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می‌کنیم غیر از غرب، دیگر هیچ چیز نیست. این وابستگی فکری، عقلی و مغزی منشأ اکثر بدبختی‌های ملت‌ها و ملت ما نیز هست.» (صحیفه نور، ج ۸: ۸۰)

۳. علم، تخصص، خلاقیت و فناوری

علم و دانش، تخصص و فناوری، حتی با فراگیری از غرب، تا آنجا مورد تشویق و تأکید «امام» (ره) است که برنامه توسعه فرهنگی کشور نیز، باید بدان سمت کشیده شود. علم، هم در سطح آموزش عالی و هم در راستای تشویق به سوادآموزی و فراگیری همگانی،

ضرورت توجه به توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۷۱

برای زدودن جهل و بی‌سوادی از پیکره جامعه لازم است؛ اما این علم و دانش نیز مشروط است به آنکه جهت‌دار و هدف‌دار باشد و منجر به حاکمیت فرهنگ فاسد غربی نگردد. علمی که تعهد، اخلاق و سلامت انسان را تضمین نماید، نه آنکه مایه انحطاط و موجب تباهی او گردد. «امام خمینی» (ره)، ضمن پررنگ جلوه دادن نقش دانشگاه و حوزه در هدایت جامعه و همچنین بیان ضرورت فراگیری علم توسط تمامی اقشار اجتماع، خطر ایجاد انحراف توسط این دو مرکز را گوشزد می‌کنند و فراگیری علم را نیز، منوط به پیوندش با اخلاق و تعهد می‌دانند. آنچه در پی می‌آید، نمونه‌های ارزنده‌ای از سخنان «امام» (ره) در این مورد است:

- «دانشگاه و حوزه‌های علمیه و روحانیون می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفت‌های کشور و می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات.» (صحیفه نور، ج ۸: ۸۱)

- «دانشگاه باید علم و تخصص را به آن مرتبه عالی برساند و تعهد و اخلاق و اسلامیت را هم به آن مرتبه عالی. باید مهذب بشود هم دانشگاه و هم حوزه‌های علمیه.» (صحیفه نور، ج ۸: ۱۰۸)

- «این دو مرکز که مرکز علم است، هم می‌تواند مرکز تمام گرفتاری‌های بشر باشد و هم می‌تواند مرکز تمام ترقیات معنوی و مادی بشر باشد. علم و عمل، علم و تعهد، به منزله دو بال هستند که با هم می‌توانند به مراتب ترقی و تعالی برسند.» (صحیفه نور، ج ۲: ۲۱).

- «با علم است که انسان می‌تواند تأمین سعادت دنیا و آخرت را بکنند. با آموزش است که انسان می‌تواند تربیت کند جوان‌ها را، به طوری که مصالح دنیا و آخرت خودشان را خودشان حفظ کنند. اگر کشور ما علم را بیاموزد، ادب را بیاموزد، جهت‌یابی علم و عمل را بیاموزد، هیچ قدرتی نمی‌تواند بر او حکومت کند.» (صحیفه نور، ج ۹: ۱۸۶)

❖ ۷۲ نامه پژوهش فرهنگی

- «باید چه طبقه جوان روحانی و چه دانشگاهی، با کمال جدیت به تحصیل علم، هر یک در محیط خود ادامه دهند ... و بهترین و موثرترین راه مبارزه با اجنبی، مجهز شدن به سلاح علم دین و دنیاست و خالی کردن این سنگر و دعوت به خلع این سلاح، خیانت به اسلام و مملکت اسلامی است.» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۲۳۳)

- «باید کوشش در راه علم و به دست آوردن تخصص در رشته‌های مختلف، اساس فعالیت جوانان دانشجوی عزیز ما باشد که نیازمندی‌های میهن، به دست خود آنها برآورده شده و کشور ما با کوشش شما خودکفا شود ... شما عزیزان تلاش کنید که از این وابستگی بیرون آید و احتیاجات کشور خودتان را برآورید و از نیروی انسانی و ایمانی خودتان غافل نباشید.» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۲۳۳)

- «ما با تخصص مخالف نیستیم، با علم مخالف نیستیم، با نوکری اجانب مخالفیم. ما می‌گوییم که تخصصی که ما را به دامن آمریکا بکشد یا انگلستان، یا به دامن شوروی بکشد، یا چین، این تخصص، تخصص مُهلک است، نه تخصص سازنده. ما می‌خواهیم این علم و صنعت و همه چیزها در خدمت ملت باشد نه در خدمت اجانب.» (صحیفه نور، ج ۹: ۱۶۶).

- «ما یک همچون تخصصی می‌خواهیم که جوری بار بیاورد کشور را و جوان‌هایی که در رأس امور کشور هستند، جوری بار بیاورد که اینها مغزهایشان وابسته نباشد و فکری جز اسلام و ایران در سرشان نباشد»

- «اسلام همه ترقیات و همه صنعت‌ها را قبول دارد. با تباهی‌ها مخالف است، با آن چیزهایی که تباه می‌کند جوانهای ما را، مملکت ما را، با آنها مخالف است؛ اما با همه ترقیات همه تمدن‌ها موافق است.» (صحیفه نور، ج ۵: ۳۴)

- «غربی‌ها به هر مرتبه‌ای هم که برسند، طبیعت را ادراک می‌کنند، طبیعت را مهار نمی‌کنند. برای معنویت، اسلام به علوم طبیعی نظر استقلالی ندارد. تمام علوم طبیعی به هر مرتبه‌ای که برسند، باز آن چیزی که اسلام می‌خواهد نیست. اسلام طبیعت

ضرورت توجه به توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۷۳

را مهار می‌کند برای واقعیت و همه را او به وحدت و توحید می‌برد ... آن معنایی که از علوم دانشگاه‌ها ما می‌خواهیم و آن معنایی که از علوم مدارس قدیمه ما می‌خواهیم ... آئی [است] که اسلام می‌خواهد تمام علوم، چه علوم طبیعی باشد و چه علوم غیر طبیعی باشد، آنکه از آن اسلام می‌خواهد، آن مقصدی که اسلام دارد این است که تمام این‌ها مهار بشود به علوم الهی و برگشت به توحید بکنند ... آن علاوه‌ای که در اسلام است، آن جنبه معنویت و روحانیت و الوهیت مساله است.» (صحیفه نور، ج ۵: ۳۴)

نتیجه‌گیری

زندگی بشر در عصر حاضر، بیش از هر دوره دیگر، با پدیده فرهنگ نسبت دارد. فرهنگ هر ملتی نشانه هویت و استقلال اوست. کسب و حفظ استقلال فرهنگی و فکری، نشانه حیات و قدرت یک جامعه است و ویرانی و انهدام یک فرهنگ، ویرانی یک ملت است. حضرت «امام» (ره) نیز به عنوان معمار بزرگ انقلاب اسلامی ایران، همواره بر اهمیت و ضرورت توسعه فرهنگی تأکید فراوان داشته‌اند، به طوری که این تأکید تنها بیان ارشادی و شعارگونه نبود، بلکه به تناسب شرایط مکانی و زمانی توانسته بودند اصول و مولفه‌های آن را نیز تبیین نمایند.

فرهنگ، همانطور که «امام» (ره) فرمودند، نه تنها سازنده خوشبختی ملت‌هاست، بلکه انحطاط ملت‌ها نیز در گرو فرهنگ جامعه است، زیرا پایه‌های اعتقادی، اخلاقی، علمی و هنری جوامع که خوشبختی ملت‌ها را رقم می‌زنند، با انحراف فرهنگ، مضمحل شده و موجب انحطاط انسان‌ها و جوامع می‌شوند. همچنین «امام» (ره) می‌فرمایند: «اگر فرهنگ، ناصالح شد، این جوانهایی که تربیت می‌شوند به این تربیت‌های ناصالح، این‌ها در آینده فساد ایجاد می‌کنند. فرهنگ استعماری و جوان استعماری تحویل مملکت می‌دهد. فرهنگی که با نقشه دیگران درست می‌شود و اجانب برای ما نقشه‌کشی می‌کنند و به صورت فرهنگ می‌خواهند تحویل جامعه ما بدهند. این فرهنگ، فرهنگ استعماری و انگلی است و این فرهنگ از همه

۷۴ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

چیزها، حتی از اسلحه این قلدرها بدتر است. این قلدرها اسلحه‌شان بعد از چند وقت می‌شکند و حالا هم شکسته، اما وقتی فرهنگ فاسد شد، جوان‌های ما که زیربنای تأسیس همه چیز هستند، از دست می‌روند و انگل بار می‌آیند، غریزه بار می‌آیند.» (فراهانی، ۱۳۷۸: ۲۷)

براساس دیدگاه «امام» (ره)، هدف از توسعه فرهنگی را می‌توان در این موارد یافت: زدودن وابستگی، دستیابی به استقلال، خوشبختی، شرافت و انسانیت و همچنین اصلاح جامعه و ساختارهای آن در ابعاد مختلف.

با توجه به ارتباط توسعه اقتصادی و سیاسی با توسعه فرهنگی و وابسته بودن هر یک به دیگری، «امام» (ره) برای توسعه فرهنگی نسبت به آن دو، اولویت قایل است و هر توسعه واقعی را متأثر از توسعه فرهنگی می‌دانند. ایشان همچنین، منشأ سلطه غرب را در سلطه فرهنگی دنبال کرده و می‌فرمایند: «این غرب یا شرق که سلطه پیدا کرده است بر همه ممالک اسلامی، مهمش این سلطه فرهنگی بود.» (صحیفه نور، ج ۶: ۲۱۸) در پیامی که به مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها، در سال ۱۳۵۸، صادر کردند، چنین فرمودند: «بزرگترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرتها و مستکبرین، وابستگی فکری و درونی است، که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد، تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود ... برای به‌دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی خود، مفاخر ملی و فرهنگی خود را دریابید. بزرگترین فاجعه برای ملت ما، این وابستگی فکری است که گمان می‌کنند همه چیز از غرب است و ما در همه ابعاد فقیر هستیم و باید از خارج وارد کنیم.» (صحیفه نور، ج ۴: ۱۸۶)

از نظر «امام» (ره)، بالاترین نوع وابستگی راه، در ابعاد فکری و فرهنگی تبیین می‌کنند و آن را زمینه‌ساز انواع دیگر وابستگی‌ها، از جمله: سیاسی و اقتصادی، معرفی می‌نمایند. به عبارتی دیگر، اگر ما وابستگی فرهنگی داشته باشیم، به دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست، وابستگی اجتماعی، سیاسی و همه این‌ها هست. (حاضری و علیخانی، ۱۳۷۷: ۴۷)

بنابر آنچه بیان شد، لازمه بقا و پویایی یک نظام سیاسی و اجتماعی، توجه به هویت

ضرورت توجه به توسعه فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) ❖ ۷۵

فرهنگی - تاریخی و توسعه فرهنگی، به عنوان عمیق‌ترین لایه نظام اجتماعی در تحولات و رفتارهای اجتماعی است. بیگانگی با فرهنگ و هویت خود، حاصلی جز ناکامی و شکست در بر نداشته است. بنابراین اگر دست اندرکاران فرهنگی، بیانات «امام راحل» را در سیاستگذاری و برنامه‌های توسعه فرهنگی کشور به کار گیرند و براساس آن عمل کنند، کشور راه پیشرفت و ترقی را خواهد پیمود.

منابع و مأخذ

- آل احمد، جلال، (۱۳۷۲)، «خدمت و خیانت روشنفکران».
- احمدی، محمد، «ضرورت طرح اندیشه‌های امام خمینی (ره) درباره توسعه فرهنگ»، سایت تبیان استان اردبیل.
- بشریه، حسین، (۱۳۷۹)، «نظریه‌های فرهنگی در قرن بیستم»، تهران: موسسه فرهنگی آینده پویان.
- پژوهنده، محمد حسین، (۱۳۷۵)، «تقابل فرهنگ‌ها و تهاجم فرهنگی»، تهران: اندیشه حوزه، شماره ۴.
- «تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی»، (۱۳۷۴)، تهران: دفتر نشر و تنظیم آثار حضرت امام (ره).
- تودارو، مایکل، (۱۳۶۹)، «توسعه اقتصادی در جهان سوم»، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- حاضری، علی محمد و علیخانی، علی اکبر، (۱۳۷۷)، «خودباختگی و خودباوری از دیدگاه امام خمینی (ره)»، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر و تنظیم آثار حضرت امام (ره).
- خلیلیان اشکذری، محمد جمال، (۱۳۸۱)، «فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی (بررسی سازگاری و ناسازگاری)»، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

❖ ۷۸ نامه پژوهش فرهنگی

- روزنامه آرمان، «امام خمینی (ره) و فرهنگ»، ۱۳۸۸ / ۷ / ۲۰.
- عزتی، مرتضی، (۱۳۷۶)، «فرهنگ توسعه از دیدگاه امام خمینی»، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.
- عظیمی، حسین، (۱۳۷۱)، «مدارهای توسعه یافتگی در اقتصاد ایران»، تهران: نشر نی.
- فراهانی، مجتبی، (۱۳۷۸)، «تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)»، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر و تنظیم آثار حضرت امام (ره).
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۰)، «پیرامون انقلاب اسلامی ایران».
- «وصیت نامه سیاسی - الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی» (۱۳۷۸)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یوسفی نژاد، علی، (۱۳۸۳)، «فرهنگ، توسعه و دین (الزام‌ها و ضرورت‌ها)»، تهران: نشر اقتصاد اسلامی.